روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسوول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ • تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ • نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ • تلفن امور مشترکین: ۳۲-۸۸۸۱۴۲۳۰ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵- ۶۶۲۷۲۱۳۰ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

شنبه • ۲۶ بهمن ۱۳۹۲ • ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۴۳۵ • ۱۵ فوریه ۲۰۱۴ • سال یازدهم • شماره ۱۹۵۳ • ۱۶صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۱۸ • اذان مغرب ۱۸:۰۴ • اذان صبح‌فردا ۵:۲۶ • طلوع آفتاب ۶:۵۰

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

از هر نظر بی‌ضرر

از پهلوان علیرضا رضایی عذر می‌خواهم

پوریا عالمی

• چند روز پیش یادداشتی نوشتم با تیتر «یک گزارش زننده از کشتی» و در آن یادداشت سعی کردم پشت «علیرضا رضایی» کشتی‌گیر باسابقه را به خاک بمالم، چون در خبرها آمده بود به گوش خبرنگاری سیلی زده است. آن روز از یکی، دو منبع خبر را چک کردم و همه جریان سیلی را تایید کردند. اما بعد از انتشار یادداشت یکی، دوتا از دوستان خبرنگار حاضر در صحنه گفتند واکنش رضایی بعد از بارها خویشتنداری و سکوت در برابر ناسزاهای شخصی به نام «م. ج» بوده که وسط ورزشگاه رضایی را به باد فحش گرفته بوده است.

حالا ممکن است شما بگویید رضایی نباید واکنش نشان می‌داده. به نظر ما هم جایی که او هست، نیازمند خویشتنداری بیشتری است و قضیه سیلی‌زدن به یک خبرنگار را نمی‌شود توجیه کرد. اما راستش یکی به ما بگوید بالای چشممان ابرو است، افسردگی می‌گیریم و توی فیس‌بوک بلاکش می‌کنیم. حالا شما تصور کن یکی چهارساعت به آدم ناسزا بگوید، ممکن نیست از کوره در برویم؟ البته ما باشیم از همان اول در می‌رویم تا کار به کوره نکشد. رضایی هم که قرار نبوده رکورد «گینس» را درباره «بیشتر زمان فحش شنفتن» بشکند پس دلش شکسته. با این اوصاف من نمی‌توانم تقصیر را گردن خبرگزاری‌ها بیندازم، چون به‌نظرم توسط «م.ج» شانتاژ و مهندسی انتشار خبر صورت گرفته تا خود را مظلوم و واقعیت را معکوس نشان دهد.

برای همین به‌صورت رسمی از شما عذرخواهی می‌کنم علیرضا رضایی. من را حلال کنید. هرگز از نوشتن هیچ یادداشتی نه درباره شخصیت‌های سیاسی، نه ارگان‌ها و نهادها، اینطور پشیمان نشده‌ام. من حتی از طرف «پوریای ولی» که همکار شما بوده از شما عذر می‌خواهم. اصلا اجازه بدهید دوتایی برویم روی تشک، شما با دوبنده مشکی، من با شلوارک و «تی‌شرت»، بعد من وسط تشک می‌نشینم، شما بیا فتیله من را بپیچ. یک‌خم من را دو خم کن. افلاک من را پیش‌رو کن. ضربه من را فنی کن. پشت من را به خاک بمال. البته علیرضا جان، من از تشک بیایم بیرون، همه‌جا می‌گویم زدم. شما هم بگو «زده. آره، جون تو. خوبیت نداره.»

کارتون خواب

احسان گنجی

ehsanganji58@gmail.com

آغاز

-آقازاده چه‌کاره‌اند؟ -وزیر طلاق!

کریم ارغنده‌پور

در روزهای گذشته طرح پاره‌ای نمایندگان مجلس برای تشکیل وزارت ازدواج و طلاق اعلام شده است. این دسته از نمایندگان می‌پندارند فعالیت‌های وزارت ورزش و جوانان عمدتا بر ورزش متمرکز بوده و مسایل جوانان در این میان مغفول مانده است. آقای روحانی نیز در ایام تبلیغات انتخابات، جداسازی ساختار اداری و مدیریتی ورزش از جوانان را مورد تاکید قرار داده بود. خبر ندارم که در این زمینه تدبیری هم در ماه‌های پیش صورت گرفته یا نه، ولی اصل این نکته قابل کتمان نیست. باید مسایل جوانان را در سازوکار بهبودیافته‌ای شناخت و سپس تدبیر کرد. هم‌اکنون بخش جوانان در وزارت ورزش به‌شکل طفیلی است اما مساله جوانان یا حتی مهم‌ترین مسایل آنان فقط کاهش تمایل یا امکان ازدواج و افزایش شگفت‌آور آمار طلاق نیست. از سوی دیگر تجربه نشان داده راه مواجهه با مسایل اجتماعی صرفا ایجاد سازمان و تعیین مدیر و رییس و به‌کارگیری تعدادی کارمند نیست. این، نهایت ساده‌کردن یک مساله است. با درنظرگرفتن مقداری وام و بن و تخصیص سفر زیارتی آمارها بهبود کیفی پیدا نمی‌کند. اگر ازدواج، کم و جدایی زیاد شده باید به‌جز سازمان‌سازی، هزارچیز دیگر دست به دست هم دهد تا روندها بهبود پیدا کند. اشتغال در صدر این مسایل است. بر اساس گزارش مرکز آمار در دی‌ماه گذشته نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ساله ۲۴/۳درصد از جمعیت فعال این گروه سنی بوده است. این رقم برای زنان در مقایسه با مردان و نیز برای روستاها در مقایسه با شهرها بیشتر است. ۱/۱میلیون از آمار ۲/۵ میلیونی کل بیکاران را (بیش از ۴۰درصد) فارغ‌التحصیلان دانشگاهی تشکیل می‌دهند که این جدیت بیشتر موضوع را می‌رساند. صد البته وجود این آمارهای نگران‌کننده به خاطر نداشتن وزارت کار نیست بلکه به هزار و یک دلیل دیگر است که شاید بخش مهمی از آن اصولا به حیطه وظایف و اختیارات آن وزارت برنمی‌گردد. کاهش ازدواج و افزایش طلاق هم همین‌طور است. پیش از هرچیز باید گره‌های اجتماعی و اقتصادی گشوده و امنیت و ثبات و آرامش بر بازار و روابط اجتماعی حاکم شود. تنش‌های اجتماعی اگر از میزانی فزون‌تر شود اثر خود را در روابط اشخاص نیز بازتاب می‌دهد. ارزیابی مثبت درباره خصوصیات مختلف یک جامعه تنها به ادعای مدیران دوایر مسوول نیست بلکه در روندهای مختلف اجتماعی خود را نشان می‌دهد. باید یک جامعه از نظر میزان افسردگی و آلام اجتماعی مرتبا رصد شود و چنانچه تغییر معناداری در آن مشاهده شد برای بهبودی آن تلاش موثر انجام شود. همچنین است عادات ویرانگری مثل اعتیاد. آماری که به‌صورت غیررسمی درباره اعتیاد گفته می‌شود فاجعه‌آمیز است. اصلا زیبنده کشور ما نیست میزان پرونده‌های دعاوی در محاکم دادگستری که نشان‌دهنده وجود اختلافات زیاد و اتهامات عدیده است. اینها ربطی به نبود دستگاه اداری ندارد. صدالبته دستگاهش هست ولی نکته اصلی، رویکرد ما برای بهبود آمارهاست. مادامی که با مسایل پیچیده اجتماعی، مواجهه ساده داشته باشیم وضعیت تغییر نمی‌کند.

فراخوان

فیروزه جزایری دوما در گفت‌وگو با «شرق» به ترجمه بدون اجازه آثارش اعتراض کرد

دعوت به رعایت «حق مولف»

گیسو فغفوری

فیروزه جزایری‌دوما نویسنده ایرانی‌تبار است که در آمریکا می‌نویسد و کتاب‌هایش به فارسی نیز ترجمه شده است. او هفته گذشته با انتشار نامه‌ای از ایرانیان داخل کشور خواست که ترجمه کتاب‌هایش را نخرند، زیرا بدون اجازه او منتشر شده است. از او چند پرسش کرده‌ایم و او جواب داده است.

از مردم خواسته‌اید که از خریدن ترجمه کتاب‌های شما خودداری کنند، زیرا این کتاب‌ها بدون اجازه شما منتشر شده‌اند. جز اجازه و بحث حقوق معنوی، آیا ترجمه کتاب‌های خود را به فارسی خوانده‌اید، چه ارزیابی‌ای از آنها دارید؟

تنها ترجمه مجاز از کتاب‌های من «عطر صنوبر، عطر کاج» توسط محمد سلیمانی‌نیاست. متاسفانه، ناشر من انتشار دیگر کتاب‌های من را ادامه نداد، بنابراین می‌دانم که هیچ نسخه قانونی‌ای از آنها یافت نمی‌شود. من فرض می‌کنم مردم می‌توانند از دوستان خود نسخه‌های به‌فروش‌رفته را قرض بگیرند. من هیچ‌یک از ترجمه‌های غیرقانونی را نمی‌خوانم، اما من شکایات زیادی در مورد آنها را دریافت می‌کنم.

با توجه به علاقه‌ای که خوانندگان فارسی‌زبان به کتاب‌های شما دارند، آیا ممکن نیست که خودتان مستقیما با یک ناشر ایرانی قرارداد ببندید و آن ناشر کارهای جدید شما را ترجمه و منتشر و از تضییع حقوق شما جلوگیری کند؟

من در حال حاضر روی یک کتاب کار می‌کنم و به پیداکردن مترجم و قراردادن نسخه فارسی در اینترنت به‌صورت رایگان فکر می‌کنم؛ اما به من گفته شد که ناشران به‌سادگی ترجمه را برمی‌دارند و به‌عنوان یک کتاب آن را منتشر می‌کنند و به فروش می‌رسانند. این یک سیستم فاسد است و من نمی‌دانم چگونه می‌توان خارج از سیستم کار کرد.

تا جایی که می‌دانیم استقبال از کتاب‌های شما در آمریکا خوب بوده، آیا کتاب‌های شما به زبان‌های دیگر هم ترجمه شده؟ چه واکنش‌ها و بازتاب‌هایی داشته است؟

من آن تعداد از نسخه‌های کتابم را که مردم فکر می‌کنند در آمریکا نفروخته‌ام. در موفقیت من اغراق شده است. من اینطور فکر می‌کنم، چون در زمانی، من توجه رسانه‌های زیادی را جلب کردم و برنده چندین جایزه بودم. هم‌اکنون من در حال نوشتن قطعه‌هایی برای رادیو و روزنامه‌ها هستم که این هم اتفاق خوبی است. تنها دو نویسنده ایرانی در ایالات‌متحده از نظر فروش کتاب بسیار موفق بوده‌اند که من خیلی دوست دارم جزو آنان باشم. شاید در کتاب بعدی‌ام؟ انشاالله. کتاب‌های من تنها به زبان فارسی و اندونزیایی ترجمه شده است. من هیچ اطلاعی درباره انتشار کتابم در اندونزی دریافت نکرده‌ام، بنابراین صادقانه بگویم حتی اگر یک نسخه در آنجا فروخته شده است، اطلاعی ندارم.

کتاب‌های شما نسبت به برخی کتاب‌ها که به محدودیت‌های جامعه ایران اشاره دارد و با کلیشه‌های رایج نوشته می‌شود، متفاوت است و معمولا بدون جهت‌گیری پررنگ سیاسی نوشته شده است. آیا این انتخابی آگاهانه است یا به‌خاطر تجربه‌های شخصی خودتان است؟

> **از آنجا که عدم‌رعایت حق مولف یکی از مسایل مهم در حوزه فرهنگ و هنر ایران است؛ دعوت فیروزه جزایری‌دوما را به‌عنوان یک فراخوان به رعایت حق مولف در نظر می‌گیریم و از همه نویسندگان، شاعران، هنرمندان، اهالی موسیقی و سینما دعوت می‌کنیم تجربه‌ها و دیدگاه‌های خود را در این زمینه با مخاطبان «شرق» در میان بگذارند.**

مردم از من درباره غیبت سیاست در کتاب‌هایم می‌پرسند. هیچ دلیل عمیقی وجود ندارد، جز این واقعیت که من درباره خودم و خانوادام می‌نویسم. هیچ علاقه‌ای به نوشتن درباره سیاست ندارم. همیشه علاقه‌مندم درباره افراد معمولی بنویسم، آدم‌های مشترک. نانوا برایم از شهردار جالب‌تر است.

ادبیات ایرانیان خارج از ایران به نظر می‌رسد در مقایسه با برخی از کشورها مانند هندی‌ها، پاکستانی‌ها و ژاپنی‌ها کمتر مورد استقبال قرار می‌گیرد، به نظر شما دلیلش چیست؟

شما درباره ادبیات چین و هند که در ایالات‌متحده آمریکا محبوب شده‌اند، درست می‌گویید. ادبیات ایران هنوز به این موفقیت دست نیافته است. من فکر می‌کنم دو دلیل برای این وجود دارد؛ اول از همه اینکه تعداد زیادی نویسنده ایرانی در آمریکا نیست، توجه کنید که چه تعداد چینی و هندی کتاب می‌نویسند و تعداد آنها را با ایرانی‌ها مقایسه کنید. در مرحله دوم، من متنفرم از اینکه بگویم با توجه به دشمنی سازمان‌یافته علیه ایران، آمریکایی‌ها در صف انتظار کتاب بعدی ایرانی‌ها قرار نمی‌گیرند. پس از این، من امیدوارم که توسط ایرانیان ادبیات در حال رشد گسترش یابد و بتوانیم داستان‌هایمان را بگوییم. بسیاری از آمریکایی‌ها ایران را تنها با انقلاب و گروگانگیری می‌شناسند. نیاز ما به ارتباطی فراتر از این است. ما باید داستان‌هایمان را به اشتراک بگذاریم.

با ادبیات ایران چقدر آشنا هستید؟ به نظر شما چرا ادبیات ایران کمتر به زبان‌های دیگر ترجمه می‌شود و به بازارهای جهانی کمتر راه می‌یابد؟

سوال شما درباره اینکه چرا ادبیات فارسی در سطح بین‌المللی نه محبوب و نه معتبر است، بیشتر از یک جواب دارد. من فقط می‌توانم حدس بزنم. من فکر می‌کنم ناشران می‌خواهند پول به دست بیاورند، اما نمی‌خواهند ریسک کنند. نویسنده‌های ایرانی فروشنده ثابت شده‌اند. این فقط یک حدس است، بنابراین شما باید از دیگران نیز بپرسید.

آیا تجربه نوشتن داستان به زبان فارسی را دارید؟ آیا دوست دارید روزی به زبان فارسی داستان بنویسید؟

فارسی من به اندازه کافی برای نوشتن خوب نیست، اما روان صحبت می‌کنم. رویایم آمدن به ایران و یک اتفاق در نویسندگی است.

در آثار شما آبادان نقش پررنگی دارد. آبادان در ادبیات و سینمای ایران هم چهره‌های موثری دارد. الان چه تصویری از آبادان دارید؟

آبادان در خاطرات من هست. من می‌دانم که در طول جنگ به‌شدت بمباران شد و دیگر آنگونه به‌نظر نمی‌رسد. حتی اگر آنطور هم به‌نظر می‌رسید، آبادان سال‌های ۱۹۶۰ و ۷۰ الان وجود ندارد. این همان دلیلی است که من می‌نویسم، نوشتن می‌تواند خاطرات شیرین من را زنده نگه دارد.

نکته آخر.

از شما برای اطلاع‌رسانی درباره چاپ‌های غیرقانونی سپاسگزارم. تغییر تنها وقتی اتفاق خواهد افتاد که مردم برای انجام آن تصمیم قاطع بگیرند.

قلم‌انداز

محبوبه شب

سیروس ابراهیم‌زاده

سالن انتظار شماره‌یک پردیس سینمایی «سپید» از جمعیت جوان موج می‌زند. علاقه‌مندان داستان‌های عاشقانه برای دیدن فیلم قدم‌رنجه کرده‌اند. محمد ذاکری، نوه یکی از دوستان زحمت کشیده برایم بلیت فراهم کرده است که شما باید حتما امشب این فیلم را ببینید. ممکن است کرکره‌اش پایین کشیده شود. سپاس و به قول بچه‌های امروز «دم‌اش گرم» که فراموش‌شدگان را فراموش نمی‌کند. جوانان همیشه عاشق و سرمست و بی‌قرار می‌گویند و می‌خندند و هوا را از طراوت شادمانی خویش عبیرآمیز می‌سازند. به شوق آمده‌ام. یاد شب‌های «چه خوش گذشت» گذشته‌های دور می‌افتم و از شور عشق سرشار می‌شوم. ولی مصرع سوزناک «غم ایام جوانی جگرم خون می‌کرد» کم‌وبیش خاطرم را خراش می‌دهد. نگاهی می‌چرخانم و هم‌دندان و درد آشنایی پیدا نمی‌کنم. فقط... خانم جاافتاده‌ای را می‌بینم که روی یکی از معدود صندلی‌های آن‌سوتر نشسته، ساکت و اندیشمند، بی‌آنکه اخم کند و چهره را از جذابیت تهی سازد. عطر دل‌انگیز کوچه‌باغ‌های خاطره در مشام می‌پیچد. «محبوبه» را خیلی زود به‌جا می‌آورم. همان نگاه خیره و لبخندِ خفیفِ پر از راز و رمز و... بن‌بست سعادت، کوی سراب وزیر، دبستان رودابه و دبیرستان خسرو خاور، و... و... ۵۰سالی‌ست یکدیگر را گم کرده‌ایم. سخت زیرورو می‌شوم. لحظه‌ای چشم‌درچشم هم می‌دوزیم. زن برمی‌گردد و به دختر جوانی که کنارش نشسته نگاه می‌کند و دست او را می‌گیرد. سپس به من می‌گوید: «ببخشید... من شمارو نمی‌شناسم!» ضربه به‌شدت کاری است. نفس‌ام بند می‌آید. یعنی فراموشم کرده یا گرفتار بیماری فراموشی است؟ آرام برمی‌گردم و گرفته‌حال در گوشه‌ای می‌ایستم. لحظاتی بعد، محبوبه برمی‌خیزد و تاتی‌تاتی به سویم می‌آید: «ببخشید آقا! شما در سریال روزهای خاکستری بازی نمی‌کنید؟!...»

خبرهای فردا

• در گوشه و کنار جهان از نیویورک تا ژاپن موج هوای سرد اتفاقات زیادی را از قطعی برق در آمریکا تا برف ۳۰سانتی و لغو پرواز ۱۶هزارنفر در ژاپن به‌دنبال داشته است. ایران نیز از فردا میزبان ابرهای پربرف و باران خواهد بود که در شمال‌غرب و غرب کشور با بارش باران، برف و وزش باد شروع شده و تا اواخر وقت روز یکشنبه نیمه غربی کشور را فرا می‌گیرد. ۱۷ استان دمای زیر صفر را تجربه می‌کنند.

• ایران گام‌های بزرگی را برای همراهی با دنیا برداشته است و در اواسط هفته آینده میزبان بیش از ۲۵ رییس مجلس کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اسلامی است که به تهران می‌آیند و این روزها کمیته اجرایی نهمین کنفرانس نشست‌های معتددی را برگزار می‌کند. حضور ۴۷ کشور قطعی شده و ۱۵ کشور ناظر هم اعلام آمادگی کردند.

• فردا جلساتی با حضور وزیر امورخارجه ترکمنستان در تهران برگزار می‌شود و تحلیلگران از عزم تهران-عشق‌آباد برای حجم ۱۰میلیارددلاری مبادلات اقتصادی خبر داده‌اند.

• در طول چند روز گذشته چند کنفرانس و نشست در گوشه و کنار جهان برگزار شده است، اگر در اجلاس دوکره اتفاق خوبی افتاد که خانواده‌های کره‌ای جداافتاده می‌توانند همدیگر را ببینند، در عوض از کنفرانس ژنو۲ به‌عنوان نشست‌های بی‌سرانجام یاد می‌کنند. اما علاقه‌مندان سیاست‌های خارجی و به‌خصوص اوضاع خاورمیانه می‌دانند که حزب‌الله لبنان نقش ویژه‌ای در رویدادهای منطقه دارد و سخنرانی سیدحسن نصرالله یکشنبه‌شب می‌تواند در این زمینه مهم باشد. به‌هرحال او در سالروز انتصابش به دبیرکلی حزب‌الله که از شبکه المنار مستقیم پخش خواهد شد به تحولات سیاسی منطقه هم می‌پردازد.

فرداگذرانی

• **فیلم‌بینی:** «خانه سینما» تصمیم گرفته مستندهای برتر هفتمین جشنواره فیلم مستند ایران را نمایش دهد. یکشنبه ساعت ۱۰ صبح در تالار سیف‌الله داد نوبت «بازی آدم‌کشی» است.

• **محیط‌زیست‌گردی:** فردا آخرین روز برپایی سیزدهمین نمایشگاه بین‌المللی محیط‌زیست است. سرزدن به این نمایشگاه که از ساعت ۹ صبح تا ۴ بعدازظهر در محل دایمی نمایشگاه‌های بین‌المللی برپاست می‌تواند آغاز خوبی برای توجه بیشتر به محیط‌زیست باشد.

آموزشگاه آزاد سینمایی موج نو

بامجوز رسمی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۵۳/۶۱۳۰

بازیگری کارگردانی فیلمنامه‌نویسی

مدیر مسئول و مدیر آموزش: هوشمند ورعی

۸۸۸۸۹۶۷۰ www.mojenofilmschool.com